



آغاز مسائل

آغاز انسان و انسانیت همیشه مساله ای بوده که ذهن خلاقه انسان های خاص و نوابغ و حتی انسان های عادی را به خود مشغول داشته این که انسان که آغاز شد؟ سوالی بود که در طول تاریخ حیات انسان ها در سرلوحه سوالات او قرار داشته است. در پی جواب این مساله آدمیان به راه های متفاوت قدم نهادند عده ای آغاز الهی برای او متصور شدند و داستان پیدایش آدمیان را از آسمان آغاز کردند، عده ای ترجیح دادند تاریخ طبیعی انسان را روایت کنند لاجرم به میمون رسیدند و عده ای در معنی و چیستی انسان غور کردند تا اختلاف او را با دیگر پدیده های هستی بیابند، آن گاه با این بینش به دست آمده در پی آغاز گشتند به زمان تشکیل اجتماعات انسانی، حیوانی که مورچگان هم اجتماع اند... و پس آن ظهور تمدن رسیدند.

این سه راه از يك سوال آغاز شد سوالی که بی شك هنوز بدون جوابی قطعی مانده. چه قطعیت هیچ گاه نمی تواند محصولی باشد که در ظرف مکان و زمان درآید. به بیانی دیگر داستان ناتمام پیدایش هنوز ساری است و این سه راه هیچ کدام نه به تنهایی حقیقت کامل اند و نه هیچ کدام خالی از حقیقت اند. بل روایاتی از حقیقت اند نامکشوف.

با این مقدمه نوشتار حاضر را آغاز می کنیم که امید است با شرح و بسط آن چه در پی آنیم به نگرش عمیق تر نسبت به مسائل پیش روی امروزین خود نائل آئیم و اما آن چه در پی آنیم این نوشتار تلاش در جهت بسط و واریسی و غور در مسائل فلسفه سیاسی است. منتی بیشتر با رویکرد آموزش برای آشنایی با ریشه ها و چیستی و پاسخ های مسائل عمده در فلسفه سیاسی. اما از آنچه که بخش عمده مسایل بررسی شده جنس فلسفی دارد بهتر دیدیم که در بخش اول این نوشتار به آغاز سفر کنیم. آغاز معرفت.

همانطور که اشاره شد این که انسان به تبع معرفت کی آغاز شد، محل اختلافی است از ریشه های پیش حیوانی تا پسازمینی. اما بی گمان آغاز معرفتی را می توان با آغاز تمدن همزمان دانست. پس در پی آغازین سال های تمدن بودن ما را به آغازین مسائل معرفتی خواهد کشانید تعاریف انسان می تواند کلیدی در راه فهم بهتر این مساله باشد. حیوان ناطق، حیوان عاشق و... با حالات انسانی که او را از مابقی عناصر هستی تمیز می دهد. مثل اجتماعی الطبع بدون آن ها. با اتصال این دو بخش یعنی حیوان عاقل یا به تعبیر عرفا عاشق با اجتماعی الطبع بدان آدمی ما را به موجودی می کشاند که چون مورچگان به صورت جمعی حیات را ادامه می دهد اما خلاف آن ها چیز به نام عقل یا دل دارد. صد البته این مفاهیم فیزیولوژی محض نیستند.

خوب با این دویخش شاید آغاز تمدن، همان آغاز انسان و به طبع همان آغاز دانش و معرفت باشد. هر چه هست این نکته غیرقابل انکار است در پی زیستن بر این زمین شاید از پس چند صد هزار سال به این نتیجه رسیده اند. حال به طبع یا به تجربه - که زیستن اجتماعی منافعش بر زیستن انفرادی می چربد، آغاز این تصمیم را هم بیشتر باید در اساطیر جست تا در واقعیت به هر حال این تصمیم باعث شد فرایند شکل گیری اجتماع و مسائل اجتماعی پیش روی انسان، انسان را به فکر و اندیشیدن - عاقل بودن را فراموش نکرده اید و چه ممیز انسان و حیوان - بکشاند و از اینجا درخت تناور فلسفه انسانی رویش خود را آغاز کرد.

پروفسور پوپر در کتاب جامعه باز مقوله ای تحت عنوان فشار تمدن، را مطرح می کند جای کدام ایشان بود این بود که متمدن شدن برای انسان ها فشاراتی را در پی خواهد داشت شاید اولین و روشن ترین آن ها خلل پذیری آزادی مطلق انسان ها باشد. با شراکتی که انسان مجبور هستند از پس تمدن در برخی از وجوه



زندگی خویش داشته باشند، حق مالکیت و محدودیاتی که این حق برای دیگران ایجاد می‌کند و شاید مهمترین وجه این فشارها که پوپر مطرح می‌کند ایجاد حکومت است، شاید همین فشارها و درک این فشارها بود که در آغازین هزاره های تمدن انسانی فلسفه ای مانند کلیون را پدید آورد. همانانی که تمامی ثمرات تمدن از قبیل حکومت، ثروت شخصی، ازدواج، دین و... را بی ارزش و پلید می‌دانستند و رستگاری نوع انسان را در دوری جستن از این شر عظیم معین تمدن و بازگشت به زندگی ساده و زاهدانه می‌دید. آنانی که رستگاری را در درون آدمی جستند و فضیلت را در همین دانستند و بیرون آدمی، با آخص تمدن راز ارزش تهی یافته اصول شاید اولین نظریه ضد اجتماعی جهان غربی را پایه ریزي کردند. از بزرگان این مکتب شاید مشهورترین شان دیوجانس یا همان دی شیخ مولانای خودمان هست و البته انتیس تنس شاگرد او، فلسفه را محصول شرایط دنیای یونانی پس از اسکندر و آشوب های اجتماعی آن دانسته اند اما آن چه در این میان هست و برای ما این نکته مهم می‌باشد این است که مسائل تمدن آغاز فلسفیون آدمیان بوده است.

با این همه پوپر عنوان می‌کند که تمامی این فشارها نتوانستن آدمی را از تمدن دور گرداند بلکه انسان را به هم زیستن با این فشارها کشانید و تمدن را به پیش برد. اساس نقد امثال کلیون به تمدن هم همین نکته بود که آن چیزی که در معبد تمدن قربانی شد علایق و حتی خود انسان ها بودند. این تمدن نبود که برای انسان به دنیا آمد بلکه انسان بود که به پای تمدن قربانی شد.

نظم از اولین شاخه های يك زندگی اجتماعی می‌تواند باشد و صد البته از آن جمله فشارات تمدن زمانی که قرار است اجتماعی با هم زیست کنند و این زیست به هدف بهتر ساختن زندگی برای آدمیان و آن اجتماع. نظم باید یا بر حسب غریزه چون مورچگان و زنبوران عمل باشد یا برحسب تشخیص ضرورت چون آدمیان. لزوم داشتن نظم در پی خود مخلوقی انسانی - تمدنی در پی داشت به نام قرار داد اجتماعی یا قانون. هابز به عنوان اولین متفکر سیاسی جهانی جدید قانون یا همان قرارداد اجتماعی را عامل نجات دهنده انسان از هرج و مرج می‌داند او زندگی طبیعی انسان را تنها، گوشه گیر، فقیر، پست، زشت و نفرت انگیز و خشن و حیوانی و کوتاه وصف کرد و قانون را پایانی بر جنگ هر يك بر ضد همه می‌داند. عقیده هابز درست یا غلط باشد يك چیز مشخص است و آن نکته که نظم و انتظام بخشی در اجتماع انسانی پدیده ای بود که سوالي را در ذهن آدمیان ایجاد کرد و آن این بود که «ضرورت اساسی برای حکومت چیست؟» شاید این سوال و چپستی نظم و قرار داد اجتماعی اولین نکاتی باشد که پایه های فلسفه سیاست را شامل می‌شوند.

ضرورت وجود نظم آرام آرام در پی خود ضرورت وجود ناظم را در پی داشت و ضرورت وجود ناظم ضرورت وجود نیرو و قوایی که ناظم با داشتن آن ها بتواند نظم را در جامعه حاکم کند و این نیرو پدید آورنده حاکمیت و حکومت بود.

آن چه تمدن را پدید آورد ضرورت بود. حالا ضرورت هر چي، ضرورت داشتن زندگی راحت با لذت بخش. با ضرورت پایان جنگ یکی بر علیه همه. قوانین فلسفه با معرفت پدید آورد و اندیشیدن درباره مسائل بود و آن چه مسائل را پدید آورد باز ضرورت ها بود و حال ضرورت هر چي.

تمدن انسانی شاید بزرگترین مشخصه اش داشتن حکومت و قانون «قرار داد اجتماعی» باشد و پاسخ به سوالات حکومت فلسفه سیاست.

این آغاز سیاسی بود، آغاز تمدن، آغاز نظم، آغاز قرار داد اجتماعی و شاید آغاز انسان چه داستان آغاز هیچ گاه نمی‌توان حاوی قطعیت باشد. قطعیت عنصری فراتر از زمان مکان می‌باشد. که در قابل زمان و مکان دست یافتنی نمی‌باشد. این بخشی از حقیقت است.

ماهنامه

فرهنگی - سیاسی

نسیمهال

قسمت اول

سلسله مباحث آموزش فلسفه سیاسی

نوشته: میثم میرزایی

مدیر مسئول: محمدرضا قلمکاری

صاحب امتیاز: انجمن اسلامی دانشجویان - دانشکده مکانیک

زیر نظر شورای سردبیری: محمود قنبری، حسین خدادادی، شایان راضیان، امین اعتزازیان، مصطفی

رییسی، عباس نصرآزادانی، مرضیه یداننپور

با همکاری: شهریار دبیرزاده، میثم میرزایی

با تشکر از: میثم خسروی، مسعود نوربخش، مصطفی طلوعی، محمدجواد نصر، فریده زاهد، مائده

ایزدی

چاپخانه دانشگاه صنعتی اصفهان

Website: <http://magazine.nasimeshomal.com>

E-mail: magazine@nasimeshomal.com